

جزوه درس تاریخ انقلاب اسلامی ایران (فروردین 1340 – 22 بهمن 1357)

گردآوری و تنظیم: خانم زاکانی

پیشگفتار:

هدف از نگارش این جزوه، اشاره بر حوادثی است که منجر به وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال 1357 شد. در ابتدا خلاصه ای از عوامل وقوع انقلاب در هر جامعه و سپس عوامل پیروزی انقلاب اسلامی ایران بطور خلاصه شمرده شده؛ بخش عمده مطالب، مروری بر وقایع تاریخی از فروردین سال 1340 تا پیروزی انقلاب در 22 بهمن 1357 است.

عوامل وقوع انقلاب در یک جامعه

عواملی که معمولاً در هر انقلابی دیده می شوند عبارتند از :

- 1- نارضایتی عمیق از شرایط موجود
- 2- گسترش و پذیرش اندیشه یا اندیشه های جدید جایگزین (ایدئولوژی انقلابی)
- 3- گسترش روحیه انقلابی در افراد جامعه
- 4- وجود رهبری و نقش آفرینی ساختارهای سیاسی - اجتماعی بسیج گر

انقلاب اسلامی ایران، چهار عامل فوق را در مرحله وقوع، داشت؛ نارضایتی از وضع موجود، با شاخص هایی مانند اعتصاب ها، تظاهرات، درگیری ها و تنفر همگانی از رژیم شاهنشاهی، گستردگی زیادی داشت. آموزه های اسلامی به عنوان ایدئولوژی و اندیشه سیاسی جایگزین، در انقلاب اسلامی مطرح بود و در شعارها، تظاهرات، بیانیه ها، سخنرانی ها و اعلامیه های مردم و رهبران انقلابی، نقش اصلی و تعیین کننده داشت. رهبری بی نظیر و هوشمندانه امام خمینی و پیوند ویژه دینی و تاریخی روحانیت با مردم، به بهترین وضع ممکن، نقش بیداری انقلابی و گسترش آرمان انقلاب اسلامی را ایفا کرد و سرانجام این که روحیه انقلابی، با شاخص هایی چون عدم تسلیم انقلابیون در برابر اقدامات ظاهری رژیم و بی توجهی به اقدامات سرکوب گرانه آن، به خوبی قابل مشاهده بود.

با توجه به چنین عواملی است که انقلاب اسلامی ایران در شمار انقلاب های کبیر اجتماعی جای دارد و با توجه به ویژگی های ممتاز خویش، با هیچ کدام از انقلاب های تاریخی معاصر، قابل مقایسه نمی باشد.

عوامل پیروزی انقلاب اسلامی

برپایی حکومت بر مبنای اسلام به عنوان دینی کامل و تأمین کننده ی تمام نیازهای مادی و معنوی بشر یک ضرورت است. مردم ایران با آگاهی به این نکته و با رهبری حکیمانه ی امام خمینی (ره) یکپارچه قیام نموده و بعد از ساقط کردن حکومت دیکتاتوری و وابسته رژیم پهلوی، نظام جمهوری اسلامی را در ایران مستقر کردند. در این نوشتار عوامل پیروزی انقلاب اسلامی ایران را مرور می کنیم:

1- ایمان و اراده

تجربه نشان داده است که موفقیت در هر کاری باید با یقین و اعتقاد به انجام آن همراه باشد و کسانی که در انجام امور مردد باشند و نتیجه آن را باور نکرده باشند، معمولاً به هدف نمی‌رسند. یکی از علل موفقیت رسول گرامی اسلام (ص) ایمان و اعتقاد به هدف بود، تا جایی که وقتی مشرکین قریش توسط حضرت ابی طالب (ع) به آن بزرگوار پیامهایی دادند و تهدید و تطمیع نمودند که از هدف خود دست بردارد، آن حضرت فرمود: عمو جان! به خدا قسم اگر خورشید را دست راست من و ماه را در دست چپ من قرار دهند، هرگز از هدف خود دست برنخواهم داشت، تا اینکه دین حق آشکار شود، یا در راه آن فدا شوم.»

مردم ایران در حادثه تاریخی انقلاب اسلامی براساس باور به حاکمیت قوانین و ارزشهای الهی، سلطنت نامشروع حکمرانان جبار را نفی کرده و با اراده ای الهی آن را ریشه کن نمودند و فرو پاشیدن تمام نهادها و مراکز وابسته به آن را پشتوانه همّت خود قرار دادند و در این راه از هیچ گونه کوششی دریغ نوزیدند. این عامل در پیروزی انقلاب اسلامی ایران نقش مهمی ایفا کرد.

2- جلوه اسلامی

اسلام مکتبی است که می‌تواند انسانها را از درون و برون متحول کرده و موجب پدید آمدن تحولات عمیق تاریخی و اجتماعی و فرهنگی گردد. این آیین آسمانی در جذب و تحرک بخشیدن به نیروهای با ایمان و مقاوم، نقش تعیین کننده ای می‌تواند داشته باشد. هر انقلابی که جلوه اسلامی داشته باشد، قطعاً دلها را به خود جذب کرده، میان مردم وحدت ایجاد می‌کند و با تقویت ایمان و اراده آنان انقلاب را به پیروزی می‌رساند. انقلاب اسلامی ایران نیز در تمام ابعاد خود رنگ اسلامی به خود گرفته بود. به این جهت تمام شعارها و حرکات مردم ایران رنگ توحیدی، اسلامی و خدایی گرفت و این آرمان در تمام قشرهای مردم متجلی شد.

شعارها، سرودها و سایر برنامه‌ها با اصطلاحات قرآنی و اسلامی توأم بود و پیروزی انقلاب اسلامی همان تحقق وعده الهی بود که: «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثْبِتْ أقدامكم» [5]؛ «اگر شما دین خدا را یاری کنید، قطعاً خداوند نیز شما را یاری کرده و گامهایتان را استوار خواهد ساخت.»

3- نفوذ معنوی رهبر

فلسفه امامت و تداوم آن در شکل نظام ولایت فقیه، قدرت و نفوذ خاصی است که دین اسلام به یک فقیه حاکم می‌دهد و او را تا حد تسلط بر دلها مقتدر می‌سازد. صداقت، صلابت، صراحت لهجه، شجاعت، سازش ناپذیری، از جان گذشتگی، قاطعیت، عشق به اسلام، وارستگی، مقام عرفانی، شخصیت علمی و فقهاتی، ساده زیستی، آزاد اندیشی، همدردی با محرومان، باور استوار، یقین تزلزل ناپذیر، عظمت روحی، روشن بینی و سایر ویژگیهای رهبر انقلاب اسلامی ایران، او را محبوب قلوب میلیونها عاشق دلباخته نمود. آنچنان که پیامها، گفتارها و رفتارهای آن رادمرد تاریخی برای پیروانش الهام بخش و راه گشا بود.

4- وحدت مردم

مردم مسلمان ایران در پیروزی انقلاب اسلامی آنچنان یک دل، یک رنگ و هم نوا شدند که تمام اقشار مختلف از هر گروه، صنف، تشکل و حزبی در برابر رژیم طاغوت یک صف واحد تشکیل دادند. و همانند سیل بنیان کن، ریشه

مفسدین و ستم‌گران را از بیخ و بن کردند. تپش هماهنگ قلبها و آهنگ حرکت دستها در جریان نهضت اسلامی ایران عامل اقتدار امت اسلام در برابر کفر و نفاق و شرک گردید، و پرچم استقلال و آزادی را در ایران اسلامی به اهتزاز در آورد. اسلام یگانه عاملی بود که این وحدت و یک پارچگی را به وجود آورد و اگر غیر از شعار اسلامی چیز دیگری حاکم بود، هیچ گاه این یک پارچگی بی نظیر به وجود نمی آمد و برای همین بود که مردم مسلمان ایران هم آوا و هم صدا تکبیر گفته و پیش می رفتند و این همان تبلور قدرت الهی در نیروی مردم است که پیامبر(ص) فرمود: «يَدُ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ»، دست خدا به همراه عموم مردم است.»

5- کانونهای نقش آفرین

چهار مرکز عمده فرهنگی و اقتصادی را می توان از عوامل پیروزی انقلاب اسلامی ایران به شمار آورد. این مراکز عبارت اند از:

الف. مساجد:

در صدر اسلام مسجد پایگاه مسلمانان بود و هرگونه حرکت و تصمیم در مسجد انجام می گرفت؛ در انقلاب اسلامی ایران نیز مسجد کانون پر شور و الهام بخش انقلابیون مسلمان ایرانی بود و در یک کلام ستاد عملیاتی فجرآفرینان جاوید 22 بهمن همواره مساجد بوده است.

ب. حوزه علمیه و نهاد روحانیت:

انقلاب اسلامی ایران آنچنان با این نهاد عجین شده بود که جرقه انقلاب اسلامی ایران از همان مرکز و رهبری آن از میان دانش آموختگان همان مکتب نبوی شروع شده و به حیات خود ادامه می دهد و مهم تر از همه، مطالعه تاریخ انقلاب اسلامی ایران بدون مطالعه نقش این نهاد عظیم علمی و معنوی برای هیچ تاریخ نگار و محقق میسر نخواهد شد. همچنان که حرکات و قیامهای آزادی بخش و حیات آفرین در طول تاریخ با رهبری روحانیون آگاه و بیدار انجام گرفته است. امام خمینی(ره) در مورد نقش روحانیت در انقلاب اسلامی می فرماید: «اسلام منهای روحانیت یعنی هیچ! و اصلاً روحانیون بودند که انقلاب اسلامی را شروع کردند، و هر چیز کارشناس لازم دارد و کارشناس اسلام، روحانیون هستند.»

ج. دانشگاه:

قشر عظیمی از دانشجویان داخل و خارج کشور با تلاشهای شبانه روزی خود انقلاب اسلامی ایران را با دانشگاه پیوند زده بودند. اساتید و دانشجویان متدین و متعهد به همراه سایر اقشار ملت و همگام با حوزه و روحانیت و رهبری انقلاب در به ثمر رساندن نهضت، عامل مهمی به شمار می آیند و بسیاری از کارگزاران دولت جمهوری اسلامی ایران از همین دانشگاه ها که از پایگاه های مهم انقلاب بود، فارغ التحصیل شده اند. متأسفانه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران دانشگاه ها فقط عامل وابستگی کشور به فرهنگ و ارزشهای غربی محسوب می شدند.

د. بازار:

گروه بازاریان سنتی، از قدیمی ترین طبقات اجتماعی ایران در دوره های مختلف بودند و در امور سیاسی کشور نقش مهمی ایفا کرده اند. با وجود فشاری که در طول دوره های مختلف از طرف دولتهای وقت به بازار وارد می گردید،

بازاریان توانایی و استقلال خود را حفظ کردند. همین توانایی بازار بر اهمیت نقش آن در روند پیروزی انقلاب اسلامی افزود و آنان هماهنگ با سایر اقشار، با بستن مغازه های خویش اعتراض خود را علیه دولت به نمایش گذاشتند.

نگاهی به مهم ترین رویدادهای انقلاب اسلامی (فروردین 1340 تا بهمن 1357)

رحلت آیت الله بروجردی (سال 1340)

ایشان که قدرت نفوذ و جامعیت بی نظیری در میان مراجع معاصر و پیشین خود داشت، فروردین سال 1340 در گذشتند. رژیم شاه برای رهایی از قدرت روحانیت که آن را مزاحم اقتدار خود می دانست، سعی کرد مرجعیت تامه روحانیت را پس از آیت الله بروجردی به نجف منتقل کند و با این تصمیم، تلگراف تسلیتی به آیت الله حکیم فرستاد.

مراجع مطرح آن روز قم پس از آیت الله بروجردی، حضرات آیات گلپایگانی، شریعتمداری، نجفی مرعشی و روح الله خمینی بودند؛ هر چند آیه الله خمینی، در آن روز هنوز رساله نداشت و اقدامی برای احراز مرجعیت انجام نداده بود و چندان به عنوان مرجع تقلید در بین مردم مطرح نبود.

رژیم شاه که خلأ قدرت روحانیت و مرجعیت را پس از آیت الله بروجردی آشکارا احساس می کرد، درصدد برآمد اقدامات به تأخیر افتاده خود را آغاز کند.

تصوینامه انجمنهای ایالتی و ولایتی

در آغاز، اصلاح لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی، بهانه مناسبی برای پیشبرد اهداف مورد نظر دولت بود. اساسی ترین اصلاحاتی که در قانون انتخابات انجمن های ایالتی و ولایتی صورت گرفته بود:

1- لغو شرط مسلمان و مرد بودن برای انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان

2- لغو سوگند به قرآن مجید و تبدیل آن به سوگند به کتاب آسمانی

اولین فعالیت سیاسی امام خمینی در جایگاه مرجعیت شیعه، اعتراض به این تصویب نامه بود. ایشان این قانون را مقدمه ای برای تضعیف اسلام و افزایش حضور بهائیان در ارکان حکومت پهلوی می دانستند. با دعوت از علمای سرشناس قم به اظهار نظر درباره تصویب نامه مذکور پرداخت. سرانجام امام خمینی و دیگر یارانش، دولت علم را وادار به عقب نشینی و لغو آن تصویب نامه در 7 آذر سال 1341 کردند.

طرح لوایح شش گانه (انقلاب سفید) و اصلاحات ارضی

ایجاد اصلاحات روبنایی و پر سر و صدا، یکی از شیوه های استعمار برای پیشگیری از «انقلاب» در کشورهای ستم زده جهان سوم بود.

علی امینی کاندیدای آمریکایی ها برای ایجاد اصلاحات یا «رفورم» بود. اما شاه که نمی خواست قدرت را به شخص دیگری واگذار کند، طی مسافرتی که به آمریکا رفت، آمریکایی ها را مطمئن کرد که همان اصلاحات را انجام خواهد داد. به قول شهید محلاتی: شاه «انگلیسی» به آمریکا رفت و «آمریکایی» از آمریکا باز گشت.

«انقلاب سفید» نامی بود که شاه برای اصلاحات مورد نظر غرب یا همان «رفورم» برگزیده بود. شاه با طرح «لوائح شش گانه» سعی داشت از یک سو کشورهای جهان و آمریکا را فریب دهد و وانمود کند در ایران اصلاحاتی در حال

شکل‌گیری است و از دیگر سو، سعی داشت گروه‌هایی از اهالی روستاها و مناطق تحت سلطه ارباب‌ها را فریب دهد. این لوایح عبارتست از:

- 1- اصلاحات ارضی یا الغاء رژیم ارباب و رعیتی
- 2- سهم کردن کارگران در سود کارخانه‌ها
- 3- تساوی حقوق زن و مرد
- 4- مبارزه با بی‌سوادی یا سپاه دانش
- 5- ملی شدن جنگل‌ها
- 6- فروش سهام کارخانه‌ها به کارگران

امام خمینی هنگام طرح انقلاب سفید، از سایر مراجع دینی کمک و از محمدرضاشاه توضیح خواستند اما تنها واکنش شاه، بی‌اعتنایی و توهین بود. امام با انتشار اعلامیه‌ای در 2 بهمن سال 1341، همه‌پرسی (رفراندوم) فرمایشی شاه را تحریم کردند و راه پیمایی گسترده‌ای در تهران و قم برگزار شد. در نهایت، مخالفت‌ها با سرکوب نیروهای نظامی دولت، به پایان رسید.

مسافرت شاه به قم برای تبلیغ انقلاب سفید و مذاکره با علما (4 بهمن 1341)

شاه با مسافرت به قم، با برخورد بسیار سرد روحانیون و عدم حضور و استقبال آنان مواجه شد. وی ضمن دادن اسناد مالکیت کشاورزان، سخنان بسیار توهین آمیزی نسبت به روحانیت ابراز داشت و نیامدن علما به استقبالش را ارتجاع سیاه نامید.

برگزاری رفراندوم لوایح ششگانه و تصویب ظاهری انقلاب سفید (6 بهمن 1341)

اعلام شد که حدود شش میلیون نفر در این رفراندوم رأی موافق داده‌اند. این ارقام در حالی اعلام شد که جمعیت کشور آن روز، حدود بیست و سه میلیون نفر آمارگیری شده بود. اظهارات رژیم شاه در مورد تعداد آراء موافق رفراندوم، با تکذیب و انکار سخت مخالفان روبه‌رو شد.

امام خمینی طی بیاناتی به مناسبت عید فطر، درباره رفراندوم (انقلاب سفید) صحبت کردند و ضمن ترغیب مردم به ایستادگی گفتند: ما میل نداشتیم به این رسوایی‌ها بکشیم. چرا باید مملکت این قدر از ملت جدا باشد که وقتی پیشنهادی می‌دهد، با بی‌اعتنایی و عکس‌العمل منفی مردم مواجه گردد. رفراندوم شاه در سراسر مملکت بیش از دو هزار نفر همراه نداشت. امام با طلاب اتمام حجت کردند که خود را برای کشته شدن، آماده کنند.

تحریم عید نوروز (22 اسفند 1341)

عید سال 1342 از سوی امام خمینی و مراجع دیگر تحریم شد. علت تحریم عید، انقلاب سفید عنوان شده بود. اعلامیه‌های متعددی از سوی علما و مراجع و احزاب و جمعیت‌ها درباره تحریم عید انتشار یافت. تحریم عید، یک مبارزه منفی بود که ناخشنودی روحانیون از رژیم شاه را آشکار می‌کرد. روحانیون با انتشار اعلامیه و پخش آن در بین مردم، از اینکه مبانی اسلام در اقدامات و لوایح رژیم شاه رعایت نشده، انتقاد کرده و در اعتراض به بی‌حرمتی به مبانی دینی، عید را تحریم و عزای عمومی اعلام کردند.

فاجعه فیضیه و تحریم تقیه از سوی امام خمینی (2 فروردین 1342)

امام خمینی به همراه مراجع دیگر، در اعتراض به عملکرد حکومت پهلوی، عید نوروز 1342 را عزای عمومی اعلام کردند و به افشاگری علیه اقدامات شاه پرداختند. اوج این حرکت اعتراضی در مدرسه فیضیه قم بود که با خشونت مأموران رژیم، به یک فاجعه تاریخی مبدل شد. مأموران رژیم شاه در پوشش مردم عادی وارد مراسم عزاداری سالروز شهادت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام - که از طرف آیت الله گلپایگانی در مدرسه فیضیه برگزار شده بود - شدند و با ایجاد بی‌نظمی، مراسم را به آشوب کشیدند. مأموران پس از ایجاد بی‌نظمی در مراسم عزاداری، با دشنه، پنجه بوکس و چماق، به ضرب و جرح مردم و طلاب مدرسه پرداختند. همچنین مأموران دارای لباس شخصی با حمایت مأموران شهربانی، به شکستن پنجره حجره‌های مدرسه و به آتش کشیدن کتاب‌های مدرسه فیضیه اقدام کردند.

در جریان حمله وحشیانه نیروهای امنیتی رژیم به مدرسه فیضیه قم و مدرسه طالبیه تبریز، تعدادی از طلاب، شهید و مجروح شدند. به دنبال این جنایت، امام، شاه را بصورت شدیدالحنی عتاب کرد و سکوت و تقیه علیه ظلم و ستم را حرام دانستند. این ماجرا، همچنین از طرف سایر مراجع و شخصیت‌های روحانی و سیاسی محکوم شد. با زنده نگه داشتن خاطره فیضیه تا محرم، مراسم عزاداری محرم در تهران، قم و شهرهای استان‌های گوناگون، حال و هوای دیگری یافت. مراسم برگزار شده در دهه محرم، با محکومیت اقدامات رژیم شاه همراه بود و زمینه حرکت عمومی را فراهم ساخت.

سخنرانی عصر عاشورای امام خمینی در مدرسه فیضیه (13 خرداد سال 1342)

در آستانه ماه محرم سال 1342، امام خمینی به سخنرانان مذهبی توصیه کردند که خطر اسرائیل را به مردم تذکر دهید و در مراسم نوحه خوانی و سینه زنی، از مصیبت‌های وارد شده به اسلام و مراکز دینی یاد کنید.

این سخنرانی که با برنامه‌ریزی قبلی بود، در مدرسه فیضیه و با حضور انبوه جمعیت، نقطه اوج تبلیغات و حملات سامان یافته علیه رژیم شاه بود؛ رژیم شاه سعی کرد با تهدید و ارعاب، از برگزاری سخنرانی عصر عاشورا جلوگیری کند. با آغاز سخنرانی، مأموران اقدام به قطع برق مدرسه فیضیه کردند تا سخنرانی برگزار نشود، اما بر خلاف انتظار، با پیش بینی به موقع مسئولان برگزاری مراسم، باطریهای بزرگ، برق بلندگوها را تأمین کرد و اختلالی در سخنرانی ایجاد نشد.

برای اولین بار در یک سخنرانی، مرجع تقلید و روحانی برجسته‌ای برای مردم سخن می‌گفت و امام خمینی برای اولین بار شخص شاه را مورد خطاب و عتاب قرار می‌داد. امام، سخنان آتشین و بسیار مهمی ایراد کردند. آن سخنان، رسماً امام را در برابر شاه قرار داد و باعث از بین رفتن ابهت شاه، در نگاه مردم شد. نکات بسیاری در سخنرانی عصر عاشورای امام خمینی به چشم می‌خورد و آن را از موارد مشابه متمایز می‌کرد و بر اهمیت تاریخی آن می‌افزود.

دستگیری امام در سحرگاه 15 خرداد و انتقال به تهران (15 خرداد سال 1342)

پس از سخنرانی روز عاشورا، امام خمینی و چند تن از علما از جمله آیت الله محلاتی در شیراز و آیت الله سید حسن قمی در مشهد دستگیر شدند. در پی دستگیری امام خمینی، حرکت خودجوش مردم یعنی واقعه پانزده خرداد به وقوع پیوست. حرکت انبوه مردم در شهرهای قم، تهران، تبریز، مشهد، شیراز، ورامین، کاشان، آران و بیدگل و بعضی نقاط دیگر، موجب رودررویی رژیم شاه با مردم شد. در بی سابقه‌ترین رودرویی مردم به مأموران رژیم شاه و نظامیان، عده‌ی

زیادی از مردم کشته، زخمی و دستگیر شدند. آمار درستی از تعداد کشته و مجروحان پانزده خرداد در دست نیست، اما «پانزده هزار نفر کشته» در اسناد و مدارک برآورد شده است. از جمله نتایج قیام 15 خرداد عبارت است از:

- 1- تکامل جریان مبارزه و کم رنگ شدن جاذبه گروه های سیاسی
- 2- افزایش آگاهی سیاسی در حوزه های علمیه و میان روحانیون
- 3- حضور فراگیر همه اقشار اجتماعی در صحنه مبارزه با رژیم
- 4- برجسته شدن رهبری امام خمینی و مذهب تشیع بعنوان راهنمای مبارزه
- 5- افشای چهره منافقانه شاه و برملا شدن رابطه اش با آمریکا و رژیم صهیونیستی

شروع اعتصابات فراگیر در شهرها از جمله بازارها و... (21 خرداد 1342)

تلگراف بسیاری از علما به شاه برای آزادی امام

مهاجرت علما به تهران

در پی دستگیری امام خمینی و تهدید به محاکمه و اعدام ایشان به اتهام رهبری شورش علیه رژیم شاه، جمعی از روحانیون (45 نفر) از جمله حضرات آیات: شریعتمداری، نجفی مرعشی، سید محمدعلی میلانی از شهرهای مختلف کشور به تهران مهاجرت کرده و با انتشار اعلامیه‌ای حمایت خود را از مرجعیت امام خمینی اعلام کردند. طبق قانونی که در زمان مصدق تصویب شده بود، دولت حق تعرض به مراجع تقلید را نداشت. جمعیت علمای مهاجر، با توجه به قانون یادشده، در یک اقدام فوری اعلامیه‌ای صادر کردند و مرجعیت امام خمینی را تأیید کردند. اعلامیه تأیید مرجعیت امام خمینی و حمایت از ایشان، با سی و شش امضای علمای مهاجر انتشار یافت.

آزادی از حصر تهران پس از ده ماه زندان (18 فروردین 1343)

سرانجام در پی اعتراضات گسترده اقشار مختلف مردم، امام خمینی پس از ده ماه زندان و حصر در تهران، آزاد شدند. جشن آزادی امام خمینی، با شکوه و شادی بسیار در فیضیه و مدارس و مساجد قم برگزار گردید.

امام خمینی در اولین سخنرانی پس از بیرون آمدن از زندان، هر گونه سازش با رژیم شاه را تکذیب و بر ادامه مبارزه تأکید کردند. امام خمینی در اعلامیه و سخنرانی خود تصویب کاپیتولاسیون (مصونیت قضایی اتباع خارجی) را محکوم کردند و دست استمداد به سوی علمای اسلام دراز کردند و از آنها خواستند به داد اسلام برسند و ...

کاپیتولاسیون (Capitulation)، مقدمه تبعید امام به خارج از کشور!

«کاپیتولاسیون امتیاز قضایی یا حق قضاوت خارجیان در کشور دیگر است.» طرح مصونیت نظامیان آمریکایی که در خارج از ایالات متحده فعالیت می‌کردند؛ در واقع دولت ایران حق رسیدگی به جرایم جنایی پرسنل نظامی آمریکایی را در قلمرو خود نداشت!

نخستین کسی که با ژرف بینی و آگاهی سیاسی از پیامدهای ناگوار «کاپیتولاسیون»، شدیداً در برابر تصویب آن موضع‌گیری کرد، امام خمینی بود. اعلامیه آگاهی‌بخش و هشداردهنده حضرت امام در چهارم آبان 1343 و سخنرانی بسیار روشن‌گر و پر شور ایشان، بار دیگر مردم ایران، رجال سیاسی و علما و اساتید حوزه و دانشگاه را با ابعاد فاجعه‌بار و

دردناک این گونه پیمان‌ها آشناساخت. رژیم شاه که در وابستگی به آمریکا و غرب برنامه‌های درازمدتی داشت، نتوانست سخنان امام را تحمل کند و بدون درنگ ایشان را به خارج از ایران تبعید کرد.

تبعید امام به ترکیه (13 آبان سال 1343)

امام خمینی شبانه توسط نیروهای ویژه کماندوی اعزام شده از تهران، از خانه مسکونی خود در قم ربوده شده و بلافاصله به ترکیه تبعید شدند.

دلایل تبعید امام به ترکیه:

- 1- وابستگی دولت وقت ترکیه به آمریکا
- 2- فضای بسته و خفقان ترکیه (عدم اجازه ملاقات مردم با امام)
- 3- مسلمانان ترکیه، اهل تسنن بودند و با ایران از زمان صفویه، اختلافات جدی داشتند.
- 4- چون ایران و ترکیه هر دو زیر چتر استکبار آمریکا بودند، ترکیه حالتی شبیه به زندان را برای امام خمینی به وجود آورده بود.

تبعید امام از ترکیه به عراق (13 مهر سال 1344)

امام خمینی پس از یازده ماه حضور در ترکیه، به تبعید گاه دوم (عراق) منتقل شدند. در عراق هنگام عزیمت به سامرا، استقبال وسیع و پر شکوهی از ایشان انجام گرفت. امام خمینی پس از چند روز اقامت در کربلا، کاظمین و سامراء و زیارت عتبات عالیات، عازم نجف شدند و در آن شهر استقرار یافتند.

دلایل تبعید امام از ترکیه به نجف:

- 1- اعتراض ترکیه! نمی خواست تبعیدگاه رهبر آزادیخواهان باشد.
- 2- فشار مردم بر دولت مبنی بر اتمام دوران تبعید
- 3- عدم صلاح دید دولت مبنی بر بازگشت امام به ایران
- 4- جو غیر سیاسی حوزه نجف و تعداد زیاد علمای مطرح و شناخته شده در آن حوزه و در حاشیه رفتن امام به واسطه حضور علمای برجسته در آن حوزه

از تبعید امام به ترکیه تا رحلت حاج آقا مصطفی (سالهای 1343-1356؛ حدود 13 سال)

در این دوران، انقلابیون سعی داشتند با زنده نگاه داشتن یاد امام و تربیت نیروهای کارآمد به مبارزه ادامه دهند. تبعیده‌ها، زندان‌ها، شکنجه و تحمل سختگیری‌های همه جانبه رژیم طاغوت، در ادامه مبارزه بسیار و بی‌شمار بود. در این راه، بسیاری از نیروهای جوان به شهادت رسیدند. روحانیون، نویسندگان و روشنفکران بسیاری به عنوان رهبران نهضت، زندان، تبعید، شکنجه و شهادت را به جان خریدند.

ضدیت حکومت و اسلام به حدی واضح بود که نیازی به اثبات نداشت. زندان‌ها پر از زندانیان مبارز بود.

در پی فضای باز سیاسی ایجاد شده پس از روی کار آمدن جیمی کارتر، رئیس جمهور آمریکا در سال 1355 و توسل به شعار دفاع از حقوق بشر، فرصت خوبی برای بیان و اظهار ناگفته های بسیاری فراهم کرد. هر چند این مساله در بسیاری از مواقع، فقط در حد شعار بود.

مرگ مشکوک 2 چهره محبوب

1- دکتر علی شریعتی (خرداد سال 1356)

دکتر شریعتی با ایراد سخنرانی ها و نگارش کتاب های فراوان، نقش زیادی در طرد افکار مارکسیستی و بیداری نسل جوان و گرایش آن ها بسوی اسلام و ارزش های اسلامی داشت. مردم، مرگ او را در لندن، به عمل ساواک نسبت دادند و تنفر بیشتری نسبت به رژیم پیدا کردند.

2- آیت الله حاج آقا مصطفی خمینی (اول آبان سال 1356)

سید مصطفی خمینی، پسر ارشد امام، مردی دانشمند بود که در تمام سال های مبارز، همواره در کنار پدر بود. مرگ شهادت گونه ایشان، موجی از نفرت علیه رژیم به وجود آورد و مجالس ترحیم زیادی در نقاط مختلف ایران، برگزار شد. امام خمینی در پی درگذشت پسرشان، سخنرانی ایراد کردند و درگذشت فرزندشان را از الطاف خفیه الهی دانستند و دو قشر روحانی و دانشگاهی را به وحدت دعوت کردند.

مجالس با شکوهی در قم، تهران، مشهد، اهواز و بسیاری از شهرهای کشور به مناسبت بزرگداشت حاج آقا مصطفی خمینی برگزار شد. یاد و نام امام و بیان انگیزه و حرکت انقلابی ایشان در این مجالس توسط سخنرانان زنده بیان گردید. این نوع سخنرانی ها، مدت ها در طول دوران اختناق پس از تبعید امام، متوقف و ممنوع بود.

انتشار مقاله توهین آمیز نسبت به امام خمینی در روزنامه اطلاعات - به مناسبت سالروز کشف

حجاب (17 دی 1356)

قیام مردم قم (19 دی 1356)

تظاهرات اعتراض آمیز مردم قم نسبت به مقاله روزنامه اطلاعات، سبب درگیری با مأموران رژیم و سبب کشته و زخمی شدن عده ای از تظاهرکنندگان شد. طلاب و روحانیون با تعطیل کردن کلاس های درس و حرکت به سمت منازل مراجع، نسبت به توهین به امام خمینی اعتراض کردند و دولت علی رگم تظاهر به آزادی و فضای باز سیاسی، مردم را به رگبار بست و عده زیادی به خاک و خون کشیده شدند.

قیام مردم تبریز (29 بهمن 1356)

به مناسبت چهلم شهدای نوزده دی قم، حوادث و بازتاب های دیگری در نقاط مختلف ایران رخ داد؛ از جمله قیام گسترده مردم تبریز که به حکومت نظامی و کشته و زخمی شدن تعدادی انجامید.

برپایی قیام در سایر شهرها و برگزاری چهلم های پیایی

چهلم شهدای تبریز در یزد، قیام دیگری آفرید و چهلم های دیگر، سبب تظاهرات و حرکت های دیگری در سرتاسر ایران شد. تظاهرات و اعتصاب و درگیری با نیروهای رژیم، هر روز در شهرهای دور و نزدیک و در سراسر ایران ادامه یافت و به کشته و زخمی شدن تعداد زیادی از مردم و ایجاد حوادث مختلفی انجامید.

فاجعه سینما رکسی آبادان (28 / 5 / 1357)

از جمله جنایات در ماه رمضان، به آتش کشیدن این سینما با حدود 400 کشته بود. شاید جنایتکاران می خواستند بگویند اگر حکومت اسلامی ایجاد شود با مردمی که به سینما می روند چه برخوردی خواهند کرد. هنوز عاملان این ماجرا مشخص نشده ولی امام خمینی درباره این حادثه فرمودند: من گمان نمی کنم هیچ مسلمانی بلکه هیچ انسانی دست به چنین فاجعه ای وحشیانه ای بزند جز آن که به نظایر آن عادت کرده اند.

قیام خونین مردم در میدان ژاله / شهدای تهران (17 شهریور 1356)

حکومت شاهنشاهی برای جلوگیری از ادامه تظاهرات و راهپیمایی، روز جمعه، 17 شهریور را در تهران و یازده شهر دیگر (اصفهان، مشهد، شیراز، تبریز، اهواز، آبادان، جهرم، کازرون، قم، قزوین و کرج)، حکومت نظامی اعلام کرد؛ اما مردم بی توجه به دستورات شاه، در میدان شهدا (ژاله سابق) تجمع کردند و شعار الله اکبر، درود بر خمینی و مرگ بر شاه سردادند. نظامیان، زنان و مردان تظاهر کننده را به گلوله بستند و تعداد زیادی را به خاک و خون کشیدند. رئیس جمهور آمریکا، بار دیگر به صراحت از شاه ایران دفاع کرد.

هجرت امام از نجف به نوفل لوشاتو پاریس (14 مهر 1357)

محاصره خانه امام در نجف و هشدار حکومت عراق به ایشان در مورد عدم مداخله در امور سیاسی، گویای تغییر سیاست حکومت عراق و توافق با دولت ایران بود که سرانجام به خروج امام از نجف و عزیمت به پاریس انجامید. امام در ابتدا قصد عزیمت به کویت را داشتند اما دولت کویت، حاضر به پذیرش ایشان نشد و راهی فرانسه شدند.

2 نتیجه مهم اقامت چند ماهه امام در فرانسه:

- 1- با استفاده از امکانات تبلیغی و مصاحبه با رسانه های جهان و خبرگزاری ها، پیام مظلومیت ملت ایران و ظلم و ستم حکومت شاهنشاهی را به گوش جهانیان رساندند.
- 2- امکان ملاقات مبارزان با رهبری انقلاب فراهم آمد و پیام ها و بیانات امام، با سرعت بیشتری در ایران منتشر میشد.

حماسه ماه محرم

محمدرضا شاه یک روز بعد از سرکوب تظاهرات دانشجویان و دانش آموزان در دانشگاه تهران (۱۳ آبان ۱۳۵۷)، رئیس ستاد ارتش، ارتشبد ازهری را به جای شریف امامی نشانند تا با برقراری حکومت نظامی و ایجاد رعب و وحشت در میان مردم جریان انقلاب را کند کند؛ اما شروع ماه محرم، که یاد و خاطره حماسه عاشورا را در اذهان مردم زنده می کرد جریان مبارزه را وارد مرحله تازه ای کرد. مردم در شب اول محرم از پشت بام خانه ها فریاد الله اکبر خمینی رهبر، نصر من الله و فتح قریب سردادند؛ ابراز انزجار و تنفر از شاه و خاندان پهلوی در روز تاسوعا و

عاشورا به اوج خود رسید و میلیون‌ها نفر در سراسر ایران از جمله در تهران با شرکت در یک تظاهرات، سقوط رژیم پهلوی و برقراری حکومت اسلامی را فریاد زدند؛ این تظاهرات عظیم آمریکا را به این نتیجه رساند که:

- 1- دولت نظامی ارتشبد از هاری نتیجه‌ای به همراه نداشته است.
- 2- مردم ایران متحد و در اطاعت از رهبری مصمم و جدی هستند.
- 3- آمریکا باید برای حفظ منافع خود در ایران به فکر مهره‌ی دیگری غیر از محمدرضاشاه باشد.

دولت شاپور بختیار

محمدرضا به دستور آمریکا برای جلوگیری از ایجاد حکومت اسلامی و ممانعت از پیروزی انقلاب اسلامی، شاپور بختیار را که قبلاً عضو جبهه‌ی ملی و از مخالفان بود مأمور تشکیل کابینه کرد؛ این دسیسه، با هوشیاری امام با غیرقانونی خواندن دولت بختیار ناکام ماند و مردم با شعار بختیار بختیار! نوکر بی اختیار! بصیرت و آگاهی انقلابی خود را به نمایش گذاشتند.

تشکیل شورای انقلاب

امام در 23 دی‌ماه سال ۱۳۵۷ با ارسال پیامی، تشکیل شورای انقلاب را به گوش مردم رسانیدند؛ این شورا که از افراد شایسته و مسلمان و متعهد و مورد اعتماد امام انتخاب شده بود وظیفه داشت زمینه را برای انتقال قدرت به دولت جدید فراهم کند؛ این خبر نشان از پایان حاکمیت نظام ستم‌شاهی و آغاز دوره‌ی جدیدی در تاریخ ایران داشت.

فرار شاه از ایران (26 دی 1357)

شاه به بهانه‌ی معالجه، ایران را ترک کرد. وی در فرودگاه مهرآباد هنگام خداحافظی با بختیار (نخست وزیر) گریست و از مصاحبه و اظهارنظر درباره سفرش خودداری کرد. خروج شاه از ایران، در میان مردم به فرار شاه تعبیر شد. شادمانی مردم پس از اطلاع از خروج شاه، به شکل گسترده‌ای در سطح شهر تهران و شهرستان‌ها موج جدیدی آفرید. مردم با رقص و پایکوبی، نقل و شیرینی پخش کردند. پس از روزها و هفته‌ها گریه و عزاداری برای شهدای انقلاب، جریان فرار شاه، موجب خنده و شادی عمیق و گسترده‌ای در میان مردم شد. در پی این رویداد مهم، مردم، مجسمه شاه را از میادین پایین کشیده شد و به نظامیان گل هدیه دادند.

ورود امام به ایران (12 بهمن سال 1357)

امام خمینی با یک فروند هواپیمای فرانسوی و با استقبال با شکوه چند میلیونی مردم وارد فرودگاه مهرآباد شدند و در بهشت زهرا، اولین سخنرانی خود را ایراد کردند. ایشان در بهشت زهرا با این جمله که «من دولت تعیین می‌کنم، من تو دهن این دولت می‌زنم.» وعده تعیین دولت اسلامی را دادند.

چهار روز پس از ورود به ایران، امام خمینی دولت انقلاب را تعیین کردند. این در حالی بود که بختیار، آخرین نخست وزیر شاه، همچنان خود را دولت قانونی می‌دانست. امام خمینی و شورای انقلاب، حکم و فرمان نخست وزیر مهدی بازرگان، اولین دولت انقلاب (دولت موقت) را تصویب کردند.

در 19 بهمن، جمعی از پرسنل نیروی هوایی (با لباس رسمی نیروی هوایی با انجام رژه و خواندن سرود «خمینی ای امام» در مقابل حضرت امام خمینی، با رهبری انقلاب اعلام همبستگی کردند.

در 21 بهمن، با آغاز درگیری مسلحانه، پرسنل انقلابی نیروی هوایی، برای مسلح کردن مردم در مقابل ارائه کارت پایان خدمت سربازی، یک قبضه سلاح و تعدادی فشنگ در اختیار آنان قرار می دادند.

فرماندار نظامی تهران در اعلامیه شماره چهل خود، ساعات حکومت نظامی و منع عبور و مرور را افزایش داد و از ساعت 4/5 بعد از ظهر تا پنج صبح حکومت نظامی اعلام کرد. حضرت امام خمینی حکومت نظامی اعلام شده از طرف فرماندار نظامی تهران، را ملغی اعلام کردند و گفتند: اعلامیه امروز حکومت نظامی، خدعه و خلاف شرع است و مردم به هیچ وجه به آن اعتنا نکنند! مینی بوس‌ها و ماشین‌های وابسته به ستاد کمیته امام خمینی، با بلندگو، لغو اعلامیه فرماندار نظامی را در سطح تهران اعلام کردند. گفتنی است که بنا به گفته سرهنگ رحیمی، از سران ارتش، بنابر اسناد دیگری که به دست آمده، حکومت تصمیم داشت با افزایش ساعات حکومت نظامی، به انجام کودتا و سرکوب مردم و خصوصاً ترور و دستگیری رهبران نهضت بپردازد. تصمیم حضرت امام، توطئه بزرگی را در آستانه پیروزی نهضت در نطفه خفه کرد.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (22 بهمن سال 1357)

با تسلیم ارتش و سقوط پی در پی کلانتری‌ها و مراکز نظامی و تسخیر کامل صدا و سیما از سوی انقلابیون، پیروزی انقلاب اسلامی اعلام شد.

انقلاب اسلامی مردم ایران به رهبری امام خمینی، نظام دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی را سرنگون کرد و فصل جدیدی در تاریخ ایران و جهان رقم زد و الهام بخش بسیار مهمی برای کشورهای منطقه و نقاط مختلف دنیاست... به راستی بررسی ریشه‌های تاریخی و علل و عوامل پیروزی انقلاب اسلامی، انقلاب منحصر بفردی که با دست خالی در برابر همه قدرت‌های دنیا ایستاد، قابل تأمل است...